



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

یک بیماری بدون درمان: حماقت

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم.
الصلاة والسلام على رسولنا محمد سيد الأولين والآخرين،
مدد يا رسول الله، مدد يا ساداتي أصحاب رسول الله، مدد يا مشايخنا،
شيخ عبدالله الفائز الداغستاني، شيخ محمد ناظم الحقاني، دستور.
طريقتنا الصعبة والخير في الجمعية.

لكل داء دواء يستطب به، إلا الحماسة أعت من يداويها

می گوید که هر بیماری ی درمان دارد. بیماری که هیچ درمان ندارد، حماقت، ابلهی (کودنی، کم هوشی) است. هیچ درمانی ندارد. و بدترین دوست، دوست حمق است. همه عالمان، حضرت ها، شیخ ها می گویند که هیچ دوستی احمق نکنید. دوست یک احمق نشوید زیرا شما را به خطر می برد. آنها می توانند (شما را) به هم خطر دنیای و خطر معنوی بکشند

خطر معنوی بدتر است. اگر یک شخص کنار در یک احمق در این دنیا برود، او یا کتک می خورد یا سرش را باز می کنند و یا حداکثر کسی را می کشد. اگر او با ایمان دنیا را ترک کند، پس با ایمان می رود. اما اگر یک احمق را پیروی کنید، در آخرت به درسر خواهید افتاد. آن زمان، پناه بر الله، به جهنم می روید. خطر جهنم است.

در حال حاضر، خطر بزرگی برای دنیای اسلام خطر حماقت است. خداوند متعال و شکوهمند یک مکان را انتخاب کرد بر اینکه نور اسلام با حضرت پیامبر مان (ﷺ) در وسط صحرا بیرون بیاید. افراد آنجا هوش بیشتری نسبت به افراد عادی داشتند. آنها حضرت پیامبر مان (ﷺ) را پیروی کردند هنگامی که حقیقت را دیدند. بعضی از آنها بسیار باهوش بودند، اما به دلیل غرور خودشان او را پیروی نکردند. آنها او را پیروی نکردند، مردم احمق پیدا کردند و آنها را فریب دادند، و آنها منحرف شدند.

اکنون دو بخش وجود دارد. کسانی که حضرت پیامبر مان (ﷺ) را پیروی کردند و راه او را ادامه دادند، مردم هوشمندانه بودند. آنها بی سواد بودند اما افرادی بودند که می توانستند هزاران خط و هزاران صفحه را حفظ کنند. آنها دین را به عالمان که بعد شان آمدند، نشان دادند، و مسیر دین را (به ما) رساندند. اکنون برخی از مردم بیرون می آیند و می گویند، "شما اشتباه می کنید. حق با شما نیست." این افراد باعث شدند کال دنیا اسلامی از بین رود.

به عنوان نمونه از این، یک داستان توسط حضرت مولانا رومی (ق) گفته شده. این کاملاً برای آنها مناسب است، به طور کامل برای آنها مناسب است و نوع آنها را نشان می دهد. یک مرد در اواسط



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

شب از خواب بیدار شد و در خانه صدای شنیده می شد. یک دزد وجود داشت. او اشیاء را جمع کرد، کیسه را بر روی پشتش گذاشت و فرار کرد. صاحب خانه او را از فاصله دید و دنبال او شروع به دویدن رفت. دزد یک مرد تند بود. درست همان زمان که مرد داشت به او می رسید، او تندتر رفت، فرار کرد و پنهان شد.

بعدها مرد دزد را پیدا می کند و دوباره به دنبال او می رود. در پایان یک تعقیب طولانی، دزد تسلیم شد. درست همان زمان که نزدیک بود روی دزد بپرد و او را گرفتند بر اینکه چیزهای خودش را نجات کند، یک مرد یک داد جهنی از پشتش می زند. او چنین فریاد می زند که صاحب دزد را ول می کند. او دزد را ول می کند و به خانه برگشت با این فکر: "باید خطر بدتری از مال من باشد." آیا دزد دیگری در خانه وجود دارد؟ شاید خانواده را کشته باشند؟ شاید مشکلی بزرگتر وجود داشته باشد؟

او پرسید، "چه اتفاقی افتاد؟ چی شد که شما چنین سر و صدا کردید؟ آیا شما زخمی شدید؟" او پاسخ داد: "خبر خوب! جای پا دزد را پیدا کردم. این جا را نگاه کن." پس او گفت: "خدا حسابت را برساند. من دزد را گرفتم. تو دیدیم من او را گرفتم و انقدر داد زدی که او را ول کردم. با جای پا او چه کار میکنم؟ هنگامی که واقعیت را پیدا کردم، جای پاش به چه دردی می خورد. شما یک مرد احمق هستید. یا یکی از این سه چیز ها: یک احمق، یک خیانتکار یا شریک دزد هستید." که تمام این سه چیز، بدتر از یکدیگرند.

این گروه که در حال حاضر بیرون آمده است، یکسان است. مردم طریقت و اهل سنت و جماعت راه حقیقت را پیدا کردند و در راه ادامه می دهند. آنها ۱۴۰۰ سال در راه هستند. هیچ اشتباهی وجود ندارد. آنها حقیقت را پیدا کردند. در حال حاضر، این گروه که ۱۰۰-۱۵۰ سال پیش بیرون آمد، آنها همان طور که مولانا رومی می گوید هستند: احمق، خیانتکار یا شریک کفران هستند.

آنچه که اکنون انجام می دهند، هیچ مفیدی برای اسلام و امت حضرت پیامبر مان (ﷺ) ندارد. حتی کوچکترین سودی هم ندارد. آسیب دارد. آنها باعث هستند مردم حقیقت را ترک کنند و به یک شکل عادت کنند. من را بخشیدن، چی؟ "هنگامی که شما می گوید "اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ" تبدیل به یک مشرک می شوید. نباید "سَيِّدِنَا" نگوئیم. نگاه کن، این یک نمونه از هزار نمونه است. نگاه کن چگونه آنها به شکل نگاه می کنند، چگونه آنها به مردم وسوسه کردند، و چگونه آنها اعتقاد و ایمان امت محمد را دارند از بین می برند!

همانطور که گفتیم، آنها افرادی هستند که هرگز نباید با آنها سازگار باشیم. افرادی که باید با آنها سازگار باشند، مردم طریقت واقعی و مذاهب های (مکاتب فکری) واقعی هستند. افرادی که بی معنی صحبت می کنند، احمق هستند. همانطور که گفتیم، خوب نیست که با یک احمق باشیم. احمق بودند بر شما گسترش می یابد. کل دنیای اسلام، هر جای که بروید، از آنها پر است. آنها باعث هستند مردم شک کند. فردی که در شک میافتد، پناه بر الله، در پایان او نیز ایمان خودش را از دست می دهد. پناه بر الله.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

چونکه قدرت معنوی وجود ندارد. آخر و عاقبت این خواهد شد اگر شیطان را پیروی کنید. هیچ چیزی بیشتر. باید از آنها مراقب باشیم.

دنیا اسلام خواب است. نمی داند که این راه از ۱۴۰۰ سال ادامه دارد. چنین چیزهایی ۱۰۰ سال پیش، حتی ۵۰ سال پیش وجود نداشتند. هیچ کدام از آنها ۵۰ سال پیش وجود نداشت. تعداد آنها کم هست و بین شان فاصله دارند. این پول مردم را خراب کرد. شیطانان از پول استفاده می کنند برای اعتقادات مردم را از بین بردن. همانطور که گفتیم، این یکی از آن سه تا نیست، بلکه همه سه تا با هم است. آنها احمق، جنایتکار و کافر هستند. هیچ چیزی دیگر برای گفتن نداریم. الله جل جلاله (ﷻ) دنیا اسلام و مسلمانان را حفظ کند.

هیچ مافیا (باند) وجود ندارد که بیشتر آسیب، هر جای که باشند، به مسلمانان برسانند. کافر و کافران نمی توانند بهمان آسیب برسانند. آنها این افراد را از میان ما بیرون می آورند و به اسلام آسیب می رسانند. به اسلام نمیتوانند آسیب برسانند، اما مسلمانان آسیب میبینند. با این حال، الله عز و جل با حقیقت است. همه کسانی که حقیقت را پیروی می کنند نجات می یابند. کسانی که کافر و کافران را پیروی می کنند، از بین می روند. با آنها (دوباره) زنده (رستاخیز) می شوند. می توانند بعدا به آنها بگویند و توضیح دهند: "این شرک است، این "بدعة" (بدعت) است و این چه چیزی نیست". خداوند از ما محافظت کند. دنبال ایمان مان باشیم. انشاءالله خداوند همچنین ایمان مان را محافظت کند.

و من الله التوفیق.
الفتاحه

حضرت شیخ محمد محمت عادل
۱۹ ذیقعدہ ۱۴۳۸، درگاه اکبابا، پس از حضرة